

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

وحید تاجیک  
۰۸ نومبر ۲۰۲۳

## خاورمیانه سرزمین هویت های سرکوب شده

این سرزمین با توجه به نقش ویرانگر نظام استعمار، قربانگاهی است از هویت های سرکوب شده و گیرمانده در یک جنگ ابدی. این زمین سوخته در حقیقت بستری است از هویت های به اسارت رفته که تقلا و جدالی سهمگین برای فرار از بردگی دائمی و ستمگری را پس از هر شکستگی غمبار دوباره از صفر آغاز می کنند. هویت هایی با گذشته درخشان که زمانی تمدنهای بزرگ بشریت را پایه ریزی کرد بودند و عالمی زیر نگین انگشتی شان قرار داشت، اما به سبب شکست های پی در پی سیاسی، گسست های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی، انجماد فکری و واپسگرایی به موجودادی عجیب الخلقه، خوار و ضعیف بدل شده اند که برای به دست آوردن لقمه ای نان صدقه برای زن و فرزند خود باید بردگی کارگزاران کارتل های نفتی و کمپانی های اسلحه سازی یهود - ترسا را انجام دهند.

فاجعه روزگار ما این است که شیرازه امور زیست جهان ما را این کارتل ها و کمپانی های سلطه گر در دست دارند و این ها هستند که فرمان می دهند که انسان ها چگونه باید اندیشه، مصرف و رفتار کنند. دولت های با نام و نشان جهان، در حقیقت تجسم بیرونی این دزد های چاه های نفت خاورمیانه هستند که با گفتار اخلاقی و کردار محترمانه جنایات این هیولا های هولناک را زیر پوشش عناوین دفاع از حقوق بشر - و مزخرفاتی از این دست توجه می کنند تا ما احمق شویم و براحتی به سخنان شان اعتماد کنیم. بوالعجبی درد آور روزگار ما این است که ما براحتی احمق شدیم، چون این شعار (دفاع از حقوق بشر...) که ستنرد دوگانه دارد، بدون چون و چرا بر فرهنگ ما و جهان چیره شده است. حتی حالا که چرائی و چگونگی تسلط استعمارگران و هارتترین و آزمندترین غلامان آن ها بر فرهنگ و خرد و مال و ناموس و هستی ما برای ما روشن شده و دیگر نیازی برای توضیح آن نیست.

بیرون از عالم این جباران ستمگر، که مسلط بر بازارهای جهانی و تولید و مبادله هستند. که قادرند هر جا لازم آید، پیمان ها و موافقت نامه های بین المللی (تشکیل کشور فلسطینی مطابق با مرزهای ۱۹۴۷) \* را به طور یک جانبه نقض کنند. که قادرند نقش و جایگاه نهادهای بین المللی را دوباره تعریف کنند. که قادر اند روایت خلاف واقعیت (مظلومیت اسرائیل) خلق کنند و با استفاده از امپراتوری رسانه ئی خود آن را مسلط بر ذهنیت جهان سازند. که قادرند از عناصر نامتجانس « ملت » بسازند و برایش دولت و مرز و حاکمیت ( اسرائیل ) و هر زمان لازم آمد همه چیز را انکار کنند! در سرزمین غمبار دوزخیان و این هویت های سرکوب شده، بازیگر - نیروی بومی که قادر باشد خودکامگی و منافع این ها را به نبرد فراخواند، تا هنوز مفقود بوده است، چرا؟ چون، وضعیت کنونی دولت های

سرمایه داری حاصل یک جمع آمد تاریخی انباشت سرمایه - پیشرفت فناوری - روش های نوین کشورداری و تمهیدات مدیریتی است که این جماعت را قادر متعال بر سرنوشت این مغضوبین زمین ساخته است.

اگر گاهی بازیگری انفرادی ( شخصیت های کاریزماتیک - جریان سیاسی) پا به میدان گذاشته تا افق گشائی به سوی عدم وابستگی و فروریزی ستمگری کند. تا یک دگرگونی ساختاری و همه جانبه را ایجاد نماید، غرب امپریالیست به خاطر تداوم « هژمونی » خودش و استخراج نفت از زمین و حتی « استخوان » این منکوب شدگان، چنین حرکت های تمدن محور را که افق گشائی می کردند به سوی عدم وابستگی، با شدت هرچه تمام و با خشونت یا توطئه به کرات نابود کرده و می کند. در حقیقت مردمان این سرزمین سوخته در طول تاریخ سه صد سال اخیر و حاکمیت استعمار، پیوسته و پیوسته برای رسیدن به آزادی با قهر و خشونت، قتل عام گسترده ( غزه - کربلای دوران ما)، ایجاد ترس و وحشت از طریق انواع فشارها سر و کار داشته است.

باری، تا اینجای کار ما چهره « زشت و پنهان\*» غرب سرمایه داری و مظلومیت مغضوبین زمین را به روشنی دیدیم. اما از قرار معلوم و قرائن موجود و با توجه به تحولات اخیر در معادلات ستراتیژیک و امنیتی خاورمیانه، به نظر می رسد دنیا دگرگون شده است، چون جنگ ۷ اکتوبر نشان داد واقعیات ژئوپلیتیک بر پایه های نظم و تصورات قبلی نخواهد چرخید. بلی این ناگزیری دوران ما است. البته به طور نسبی ( جدال بین عدالت و بی عدالتی یک امر ابدی است ) سعادت جهان سوم بسته به شکل گیری نظم جدید جهانی است، زیرا در یک دنیائی چند صدائی، تکثرگرا، رقابتی و رفاقتی لااقل ما جزو « وحشی - آدم نما ها » به حساب نمی رویم، چنانچه در نظم فعلی جهانی « به اصطلاح جهان آزاد!؟ » ما جایگاهی نداریم و جزو « وحشی - آدم نما ها » به حساب می رویم؟! آیا می توان بر امپریالیسم و سیاست های فاجعه بارش غلبه کرد و جهان را از پیامدهای هولناک آن رهانید؟ یا این یک خیال پردازی محض است و در بر همان پاشنه سابق خواهد چرخید، کس چه می داند!

حافظ! اسرار الهی گس نمی داند، خموش

از که می پرسی که دور روزگاران را چه شد؟

\*\*\*\*\*

\* فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ شامل بخش غربی رود اردن (کرانه باختری)، بخش شرقی شهر قدس (قدس شرقی) و منطقه غزه و به پایتختی قدس شرقی است.

\*\* فاجعه امروز کشور ما و « غزه » فلسطین، به همراه انبوه نابسامانی هائی که برای مردم ما و فلسطین به بار آورده، این امتیاز را نیز داشته است که حقیقت غرب امپریالیست را با تمام زشتی هایش برملا ساخت. ما دیدیم که اعلامیه جهانی حقوق بشر، قوانین و حقوق بین الملل و روایت های از این دست « یک افسانه دروغ » است که حتی به اندازه افسانه « چهل دزد » هم لطف و اعتبار نداشت، چون زیر این پوشش، روابط استعماری قرن ۱۸ - ۱۹ باز تولید شده است؟! در این میان احمق ها که عقل - اخلاق شان به حالت تعطیل یا مرخصی فرستاده شده و هنوز باورمند به این اراجیف هستند، جایگاه ویژه ای دارند و حسابشان با کرام الکاتبین است.